

موافقتنامه ۱+۵ و غرور اسلامی

امیرفیض- حقوقدان

فعالیت های انسان اعم از سیاسی و اقتصادی و نظامی سه جنبه را در خود دارد یکی هدف و مقصود، که ممکن است مادی باشد و یا معنوی و دیگری عمل است که سبب رسیدن به هدف میشود، جنبه سوم، روحی و روانی و تبلیغاتی است که جریان را تسهیل میکند.

در مسائلی که جنبه عمومی دارد، جنبه روحی و روانی و تبلیغاتی متوجه فرهنگ و توانایی یک ملت میشود که از آن بنام غرور ملی یاد میگردد. غرور ملی در صورت انسجام، سبب پیروزی و در صورت اضمحلال سبب شکست میشود.

در جامعه اسلامی ایران به اعتبار حاکمیت اسلام و تشیع، جای غرور ملی را غرور اسلامی گرفته است.

اکبر هاشمی رفسنجانی در این باره سخنی دارد که جایگاه غرور اسلامی را مشخص و آنرا ارجح از غرور ملی ساخته است؛

(اگر غرور ملی ندارید، اگر حس انسان دوستی ندارید لاقلاً غرور اسلامی که دارید پس به ازای هر فلسطینی که بدست اسرائیلی ها کشته میشوند ۵ آمریکایی رابکشید).

غرور اسلامی چیست؟

هر چند تعریف واحدی از غرور اسلامی در دست نیست ولی آنچه در قرآن و در حال حاضر از شخصیت های مسلمان حکومت اسلامی در دست است میتواند غرور اسلامی را تشریح کند.

قرآن عقیده دارد که اسلام برترین ادیان و پیروان راستین اسلام و بالاترین و مقرب ترین انسان ها نزد خداوند میباشد.

قرآن همه پیروان ادیان را زیر دست مسلمانان میداند که جان و مال و ناموس آنها بر مسلمانان حلال است.

قرآن حکومت های اسلامی را مستحق دریافت جزیه (مالیات زنده بودن و امنیت داشتن) از کفار میداند.

قرآن به مسلمانان قول پیروزی بر کفار داده است. در بهشت بروی مسلمانان معتقد باز است، و بسیاری تصریحات دیگر همه نشانگر برتری اسلام است که از باب غرور اسلامی شناخته میشود.

آقای مصباح یزدی گفته است: «وظیفه دولت اسلامی حفظ اسلام و اقتدار آن است که بالاتراز آب و خاک و جان و ناموس است» یعنی حفظ غرور اسلامی از جان و مال و ناموس و وطن واجب تر است.

۲۰ نماینده مجلس اسلامی خواستار برکناری آقای ظریف و زیر خارجه جمهوری اسلامی شده اند و مدعی هستند که ظریف «اقتدار و افتخار و عزت ایران اسلامی را منظور نداشته است».

«اگر جمهوری اسلامی سیلی بخورد اسلام سیلی خورده است» (خمینی) یعنی تحقیر جمهوری اسلامی شکست غرور اسلامی است.

آیت الله مهدوی کنی بزرگترین عضو خبرگان و رئیس فراماسون ایران گفته است: «مردم زمان شاه همه چیز داشتند ما همه را گرفتیم و اسلام آوردیم» یعنی غرور ملی ایرانیان را گرفتیم و غرور اسلامی به آنها دادیم.

ارتباط غرور اسلامی با موافقتنامه ۱+۵

همانطور که در تحریر قبلی عرض و ارائه دلیل شد موافقت نامه ۱+۵ یک امان نامه است، اکنون برای اینکه امان بودن موافقت نامه با منزلت و غرور اسلامی، قرین گردد باید نگاه اجمالی به امان در اسلام داشته باشیم.

امان در چند آیه قرآن بتفسیر و تعریف آمده است؛ از جمله یکی از آیات سوره نور و همچنین در سنت محمد هم مراتبی از امان و قرارداد امان دیده میشود مانند قرارداد امان ۱۰ ساله محمد با کفار مکه.

فقه اسلامی امان را تحت عنوان استیمان اینطور تعریف کرده.

عقد امان عبارت از پیمانی است که بین مسلمانان و کفار بسته میشود و بر اساس آن حالت دشمنی و جنگ بطور موقت با تعیین مدت به پایان میرسد.

شرط لازم برای تحقق پیمان سه چیز است اول اینکه تقاضای امان از جانب کفار باشد، دوم اینکه مهلت سبب ضربه زدن به اسلام نباشد، (فقه جواهر کلام)، سوم عقد امان از جانب حکومت یا حکومت کفار و یا قبیله و امثال آنها باشد.

جنبه روانی و روحی در موافقتنامه

در مقدمه این تحریر عرض شد که جنبه روانی و روحی، سبب حرکت سریع و موفق عمل، برای رسیدن به هدف است.

گروه ۱+۵ در راستای شکست و تسلیم جمهوری اسلامی، موافقتنامه را در مسیری قرارداد داده که کاملاً غرور اسلامی جمهوری اسلامی را هدف گرفته و خرد میکند.

مسیر خرد کردن غرور اسلامی جمهوری اسلامی

فرهنگ اسلامی بدلیل مقام پائینی که برای زن قائل است وحشت دارد که بازن طرف بشود زیرا حتی عدم موفقیت سریع سبب بی آبرویی و شکست او میگردد.

حدیثی از صحیح بخاری در دست است که «پیغمبر وقتی شنید که پوراندخت، دختر خسرو، پادشاه شده گفت قومی که ولایت او به زنی سپرده شود هرگز رستگاران نخواهد شد»

حدیث دیگری از محمد هست که گفته: «بازنان مشورت کنید ولی عکس آن عمل کنید».

ناصر خسرو بیٹی دارد کہ گویا از حدیث بالا جان یافته.

زنان چون ناقصان عقل و دینند چرا مردان ره آنان گزینند

سلطان محمود غزنوی به زنی کہ جانشین شوهرش و رئیس قبیله بود گفت قبیله ات باید تمکین بمن کند، آن زن گفت تمکین نمیکنم و میجنگم اگر گشته شدم زنی بدست سلطان کشته شده و اگر پیروز شدم زنی بر سلطان پیروز شده است. سلطان محمود حذر کرد از جنگ با آن زن.



هنگامیکه زن طرف مردان مسلمان خاصه اهل تشیع قرار گیرند؛ روزگاری سیاه در مقابل آنان گسترده شده است و خفت رویارویی با آن زن غیر قابل تحمل است.

آمریکائی ها و بطور کلی خارجیان (بخوانید انگلیسیها) به فرهنگ اسلامی خاصه تشیع

کاملاً واقفند کہ برای شکستن غرور اسلامی آخوند، باید ازدوجیزاستفاده کنند یکی از نظام شاهنشاهی ایران کہ در طول تاریخ معارض ماهوی آخوند و حکومت او بوده و دیگری از ابزار زن کہ حقارت و درماندگی آخوند را برملاء میسازد.

بدیلتی کہ میدانیم و بارها تصریح شده آمریکائیان اولین و بزرگترین مانع برای استفاده از سلطنت برای براندازی جمهوری اسلامی هستند و اساساً آنها مایل به براندازی جمهوری اسلامی نیستند بلکه خواستار شکستن غرور آنها و جایگزین ساختن نظامی هستند کہ منافع آنها را کاملاً تامین کند.

آیا شما تصور میکنید در بین هزارن هزار مردانی در ایران ویا ایرانی خارج از کشور کہ برای حقانیت حقوق بشر فعالیت میکنند کسی مهمتر از خانم عبادی نبوده است؟ البته کہ بوده است ولی هدف، قرارداد قطبی مقابل جمهوری اسلامی بود کہ کاربرد روانی داشته باشد و آن قطب فقط یک زن است نه مرد، کہ قرارداد شده. حال خانم عبادی عرضه و ظرفیت نداشت فصل دیگری است ولی انتخاب آمریکائیا درست بود.

شما تصور میکنید بین مردان سیاسی وزارت خارجه آمریکا کسی نبوده کہ صلاحیت خانم شرمن را برای ریاست کل هیئت آمریکائی مذاکره کننده در ژنو رداشته باشد؟ کہ وزارت خارجه آمریکا خانم شرمن یهودی رابه این مقام منصوب کرده است؟

خانم شرمین که یهودی است، قبل از تشکیل کنفرانس ژنو هم مردان جمهوری اسلامی را به دروغگویی و رذالت متهم ساخت؟ آیا با آن سابقه که اظهارات اوسخت مورد اعتراض جمهوری اسلامی قرار گرفت و بخشی از جمهوری اسلامی خواستار تحریم مذاکرات ژنو بخاطر ریاست او بر هیئت آمریکایی در مذاکرات شدند، و آمریکا اعتنایی به اعتراضات جمهوری اسلامی نکرد، یک امر عادی و یا دیپلماتیکی است؟؟

آیا تصور میکنید که خانم شرمین میدانست که برای پیشبرد مذاکرات نیاز به محیط بدور از تنشج است که قبل از تشکیل کنفرانس ژنو ایرانیان هوادار جمهوری اسلامی را به باد فحش و فضاخت کشید؟

شما تصور میکنید که در اتحادیه اروپا هیچ شخصیتی نبود که در حد خانم اشتون ۵۷ ساله که در بین روزنامه نگاران اروپایی به جن کوتوله معروف است بتواند نماینده تام الاختیار اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۹ در معرکه هسته ای با ایران باشد؟

مسئله بوده اند ولی برای شکستن غرور اسلامی جمهوری اسلامی که دروازه تسلط بر جمهوری اسلامی است نقش زنها موثر است.

شکست جمهوری اسلامی و درخواست امان نامه از سوی جمهوری اسلامی از یک خانم یهودی (شرمین) برای جمهوری اسلامی و ایرانیان پیرو حکومت مهم است نه اینکه اگر بجای خانم شرمین مثلاً آقای کسینجر بود.

جام نجاست. نه جام زهر

خیلی معنا دار است که دوتا زن از طایفه کفار، مرجع امید و امان جمهوری اسلامی قرار گیرند؛ جمهوری اسلامی بنابر قانون اساسی و فلسفه دینی اش نمیتواند از کفار امان بخواهد. نمیتواند موافقت نامه تنظیم کند. موافقت نامه حکومت اسلامی با کفار فقط در مورد جزیه و امنیت دادن به کفار است نه اینکه آمریکا و اسرائیل و کشورهای کفریه حکومت اسلامی موافقتنامه و امان بدهند.

این شکست و خواری غرور اسلامی است که جمهوری اسلامی به آن تن داده است؟ خفت و سرافکندگی و از اوج غرور به قعر ذلت افتادن همین است که موافقتنامه سند آن است.

درفقه تشیع حاکم بر جمهوری اسلامی، ۱۱ چیز مثل کثافت انسان نجس است که یکی از آن کثافت ها همین خانم های طرف امان و استغاثه جمهوری اسلامی هستند. امان خواستن از کثافت کجایش مذاکره قهرمانانه است؟؟! برخی ایرانیان، امان خواستن خامنه ای را به جام زهر تشبیه کرده اند، خیر، امان خواستن خامنه ای از مرجعی که ریاست آن با زنان کافر است نوشیدن جام نجاست است در حقوق اسلامی، **نه جام زهر.**

سید علی خامنه ای ساعاتی قبل از شروع مذاکرات ژنو در حضور ۵۰ هزار بسیجی سخت به اسرائیل و آمریکا حمله کرد و اسرائیل را سگ هارنجس منطقه نامید. خامنه ای گفت: حتی نام حیوان را هم بر اسرائیل نمیتوان گذاشت - ما با دولت آمریکا مشکل داریم و مبارزه میکنیم. استکباریک و اژه قرآنی است. امروز راس استکبار دولت آمریکاست.

با این زمینه سازی ها و اعلام جنگ خامنه ای به آمریکا و اسرائیل که متفقا در یک جبهه هستند و آمریکا بارها گفته است که بدون در نظر گرفتن رضایت و منافع اسرائیل توافقی با ایران نخواهد کرد، درخواست

امان از آمریکا و اسرائیل حائز اهمیت میشود و فروافتادن از اوج غروراسلامی رابه دامن اسرائیل؛ سگ هارنجس و آمریکای استکباری که درقرآن وقانون اساسی جمهوری اسلامی معرفی شده معنا پیدا میکند، که کرده است.

حاکمان جمهوری اسلامی نه مردم ایران

درنظرخواهی که درهمین روز ۱۵ آذرماه بوسیله موسسه تحقیقاتی راگی درتهران انجام شده ۹۶ درصد مردم گفته اند: «تحریم ها رابه بهای برنامه هسته ای میپذیریم» واین بدان معناست که مردم ایران علیرغم فشارتحریم ها با امان بردن به آمریکا وکشورهای اروپائی مخالف اند یعنی درخوردن جام کثافت با خامنه ای و سردمداران جمهوری اسلامی هم داستان نیستند.

تابشی مجدد غرورملی ایرانیان

غرور، یک پدیده حیات است هم انسان و هم حیوان از غرورکم و بیش بهره مند است. اجتماعات و ملتها هم همین وضع رانسبت به غرور دارند. غرور طبیعی ملتها، غرور ملی آنهاست که ریشه از فرهنگ و ادب و تاریخ و سنت و امثالهم دارد که گاه غرور طبیعی در اثر رویداد هائی به خاموشی کشیده میشود ولی منهدم و از بین رفتنی نیست.

غرورملی ایرانیان در بهمن سال ۵۷ بوسیله همین آمریکائی ها وانگلسی ها و فرانسه و آلمان یعنی ۴ کشور عضو گروه ۵+۱ به خاموشی گرانید و غرور کاذب اسلامی جای آنرا گرفت. شعله آتش غرور اسلامی با ادعای نادرست تفویض مصونت قضائی به مستشاران آمریکائی در ایران زده شد و پیگیری آن توسط رهبر مذهبی همه چیز راسوزاند که در راس آنها غرور و افتخارات ملی ایران در دوران شاهان پهلوی بود.

آیا تفویض مصونت به مستشاران آمریکائی که سمت دیپلماتیکی داشتند و در همه کشورها و حقوق بین الملل هم رایج است قابل مقایسه با تسلیم و امان خواستن جمهوری اسلامی از کشورهای کفرخاصه اسرائیل و آمریکا آنها در قالب امضای یک خانم یهودی آمریکائی میباشد؟ آیا خفت عقب نشینی ۱۰ ساله ایران از فعالیت اتمی و خلع سلاح تاسیسات هسته ای که ده ها میلیارد دلار هزینه به ملت تحمیل کرده با داستان مصونیت مستشاران خارجی برابر است؟؟

پس چرا در سال ۵۷ غرور ملی ایرانیان به آن راحتی شکسته شده و اکنون صدائی از شکستن آن بدست مردم، شنیده نمیشود پاسخ روشن است در ۵۷ نقش رهبری کارساز بود و اکنون؛

شاه خفته است و فتنه بیدار چشم دولت ز شاه خفته مدار